



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۴/۲۲

خلیل الله معروفی

دیده جنگ و نادیده صلح با شنگی از طنز



جنگ و صلح همیشه سرلوحه ننگان روزگار بوده است، که اساس خود را از تضاد داخلی و تعارض درونی تمام مظاهر و پدیده‌های عالم میگیرد. جنگ معنای مبارزه را دارد و مبارزه اضداد از اساسات خطاناپذیر و تردید نشدنی طبیعت است. جنگ و مبارزه عام است؛ و صلح فقط ایستگاه و توقفگاه کوتاهی ست برای نفس گرفتن جهت ادامه جنگ و ازین فلسفه بافی، که بگذریم و به معنای متعارف صلح و جنگ بپردازیم:

در کشور جنگزده و جنگدیده ما درین روزها حدیث صلح سر زبانها افتاده است و در هر محفلی نُقل مجلس فقط صلح است و صلح و صلح؛ گوئی می‌خواهیم با "حلوای صلح"، دهان خود را شیرین بسازیم. اگر تاریخ وطن عزیز خود افغانستان را ورق بزنیم، قصه تنها از جنگهاست و از انواع جنگ. دور نرویم و چهل سال و به اصطلاح شیک و فیشنی، "چاردهه" اخیر را مد نظر بگیریم. در تمام این مدت جنگ بوده است و جنگ سر جنگ و جنگ بالای جنگ. از بس وطنداران ما با مقوله "جنگ" خوی گرفته اند، حالا بر سر "صلح" هم می‌خواهند باهم به جنگ برخیزند.

امریکا بعد از زور آزمائی هژده ساله و استعمال انواع سلاح قتاله، بالاخره بدین نتیجه رسید، که با طالبان از در صلح و مذاکره مستقیم پیش آید. هرچند امریکا از مدتها بدین طرف به صورت نامرئی و غیر مستقیم با طالبان در تماس بوده، اما از چندی ست، که با ایشان راساً سر میز مذاکره نشسته است؛ آن هم در سرزمین بلیستی و کوچکی، به نام "قطر"، که طالبان در مرکزش، "دوحه"، دفتر و دستگاهی پیدا کرده اند.

امریکا نماینده خاص خود "حلمی خلیل‌زاد" را، که اصلاً افغان و زاده افغانستان است، اما از دل جان "امریکائی" گشته، وارد میدان ساخت. و ناگفته پیداست، که چرا امریکا از بین تمام کارکشتگان سیاسی خود، "خلیل‌زاد" را وارد معرکه کرده است؟؟؟ به دلیل این، که "خلیل‌زاد" افغان‌تبار است و "بونه و چونه" افغانان را میدانند و "رگ خو" ما مردم را از پشت دست ما میخواند.

عرض من ضمن این نوشته مختصر مگر چیز دیگری ست و بگذارید، که به دنبالش برویم. در عنوان "دیده جنگ" و "نادیده صلح" را گنجانیدم، که به شرحی نیاز مند است:

- "دیده جنگ" مراد از "چشم جنگ" نیست، بلکه مراد از کسی ست، که فقط جنگ را دیده است و محض از رُموز و اسرار جنگ آگاه است؛ یعنی "جنگدیده".

- همین شخص مگر "نادیده صلح" است؛ یعنی در عمر خود هیچگاه صلح را ندیده و لمس نکرده و مزه اش را نچشیده است. "نادیده" اصلاً اصطلاح عامیانه کابلی ست و به کسی اطلاق میگردد، که از نعمتی محروم بوده و حین دست یافتن بدان، دست از پای گم کند. مردم کابل این کلمه را بیشتر در مورد خوراکه باب استعمال میکردند و "نادیده" کسی را مینامیدند، که چون به طعام لذیذی میرسید، "هله باش" کرده بر آن حمله ور میشد. اینک برویم به طرف کسی، که "نادیده صلح" است:

تکلیف چنین شخصی خودبخود معلوم است: او نمیفهمد، که مقوله "صلح" را چه رقم در دست بگیرد؛ و اگر هیئت "دو صد و پنجاه نفری" جهت مذاکره با طالبان برگزیده میشود، صرف نظر از نکات دیگر، از همین بی تجربگی و "نادیدگی"، حکایت میکند. شما را به خدا قسم، در کدام مذاکرات صلح جهان هیئتی بدین عرض و طول و ضخامت و بدین هیكل و هیبت و به گفته فردوسی، بدین "برز و بازو"، وارد میدان شده است؟؟؟ این کار در حدی مسخره است، که حتی طالبان اخم‌رووی و میر غضب را هم به خنده اندر ساخته است. طالبان از همین سبب از روی سُخریه و مسخرگی، طنزگونه فی گرفته اند، که اجلاس دوحه، محض جهت مذاکرات صلح است و نه کدام محفل عروسی و توی و تल्ली!!!

انکشاف اوضاع در پیش روی ما و شما قرار دارد؛ و شاعر دورنگری فرموده:

هر دم ازین باغ، بری میرسد
تازه تر، از تازه تری میرسد

(برلین - ۲۰ اپریل ۲۰۱۹)



دیده جنگ و نادیده صلح

Maroofi_k_deedaye_jang_o_naadeedaye_solh.pdf